

بررسی عوامل بازدارنده زنان کارگر از شرکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی

۱. علی مهتری* _ ۲. حسن دولت پناه

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، کارشناس ورزشی اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی اردبیل-۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

*ایمیل نویسنده مسئول: alimehri13@gmail.com

چکیده

در کشور ما، زنان کارگر به دلیل وجود عوامل باز دارنده مختلف در استفاده آنها از امکانات ورزشی با مشکل جدی عدم تحرک مواجهند. هدف از این پژوهش، بررسی عوامل بازدارنده زنان کارگر از شرکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی، طبق مدل سلسله مراتبی عوامل باز دارنده اوقات فراغت در شهرستان اردبیل و نمین بود. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی بوده و جامعه تحقیق حاضر را زنان کارگر شهرستان های اردبیل و نمین که تعداد کل آنها ۵۰۰ نفر بود و نمونه آماری تحقیق از طریق جدول مورگان تعداد ۱۶۹ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته با ضریب آلفای کرونباخ 0.93 بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمون تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر تک متغیره و نیز آزمون تعقیبی t در سطح 0.05 p و با استفاده از نرم افزار آماری $spss$ انجام گرفت. نتایج نشان داد میانگین و انحراف معیار پول و امکانات به عنوان عامل بازدارنده ساختاری که به ترتیب $2/42$ و $1/20$ می باشد و میانگین و انحراف معیار زمان و فرصت زنان کارگر به عنوان عامل بازدارنده زنان کارگر در فعالیتهای ورزشی به ترتیب $2/74$ و $0/92$ می باشد و میانگین و انحراف معیار مسئولیت های مسئولین در قبال ورزش زنان کارگر به ترتیب $3/08$ و $1/18$ و همچنین میانگین و انحراف معیار اشتغال و سلامت زنان کارگر به عنوان عامل بازدارنده ساختاری به ترتیب $2/69$ و $1/52$ ؛ $2/44$ و $0/97$ می باشد و همچنین نشان می دهد که میانگین و انحراف معیار حالات روانی فرد به عنوان عامل بازدارنده فردی که به ترتیب $2/15$ و $0/97$ می باشد و میانگین و انحراف معیار نگرشها و تصورات فرد به عنوان عامل بازدارنده زنان کارگر در فعالیتهای ورزشی به ترتیب $2/22$ و $0/98$ می باشد.

واژههای کلیدی: عوامل بازدارنده، فعالیت ورزشی، زنان کارگر

بررسی عوامل بازدارنده زنان کارگر از شرکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی

مقدمه: در کشور ما، زنان کارگر به دلیل وجود عوامل باز دارنده مختلف در استفاده آنها از امکانات ورزشی با مشکل جدی عدم تحرک مواجهند. در بسیاری از کشورهای جهان، برنامه ریزی دولتها در جهت بهینه سازی و برنامه ریزی اوقات فراغت بانوان در جهت ایجاد تحرک و فعالیت ورزشی آنها صورت می گیرد. پژوهشی که بر اوقات فراغت زنان ایران صورت گرفت نشان داد که مهمترین عامل بازدارنده زنان ایرانی از شرکت در فعالیتهای ورزشی، مربوط به فقدان ساختاری برای ایجاد فرصت ها و شانس استفاده از اوقات فراغت در جامعه است. عوامل بازدارنده خاص فرهنگی که بر نگرش های سنتی استوار است و مفهوم اجتماعی اوقات فراغت، نقش بسیار مهمی در بازدارندگی زنان از شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت دارند اما سایر عوامل بازدارنده اقتصادی، اجتماعی و انتظارات خانوادگی به عنوان مهمترین عوامل بازدارنده زنان از شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت زنان ایرانی، درجه بندی شده اند (۱). تحقیقات دکتر کشر نشان داد که در بین زنان شهر تهران عوامل ساختاری مهمترین دسته از عوامل اثر گذر بر مشارکت آنها در ورزش می باشد و سپس عوامل بازدارنده فردی و بین فردی در اولویت های دوم و سوم قرار دارند (۲). تحقیقات کینگ موید این است که کمبود فضاهای ورزشی مناسب دختران یکی از مهمترین عوامل بازدارنده زنان و دختران از شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت است (۳). ووالست معتقد است بعضی از زنان مسلمان که ورزش را امری مردانه می دانند در آن مشارکت نمی کنند و آن دسته از زنان مسلمان که به مذهب خود اهمیت می دهند و به جنبه کسب سلامت بدن در اسلام توجه دارند، بسیار جدی و علاقمند در ورزش شرکت می کنند (۴). نظر به اینکه توجه به اثرات ورزش همگانی بر زندگی زنان بویژه زنان شاغل در واحدهای تولیدی در کشورمان، یک اولویت است و می تواند منشاء اثرات سودمندی بر ابعاد فرهنگی، آموزشی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی آنها باشد. با شناسایی عواملی که موجب کاهش و یا بازداشتن زنان کارگر از مشارکت در فعالیت های ورزشی اوقات فراغت می گردد، می توان برنامه ها و فعالیت های موثری در کاهش اثرات منفی این عوامل در توسعه فعالیت های ورزش زنان شاغل در واحدهای کارگری جامعه تدوین نمود. هدف این تحقیق، با در نظر گرفتن تحقیقات انجام شده خلا انجام این تحقیق برای محقق احساس و منجر گردید که به بررسی عوامل بازدارنده زنان کارگر از شرکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی، طبق مدل سلسله مراتبی عوامل باز دارنده اوقات فراغت در شهرستان اردبیل و نمین پرداخته شود.

روش شناسی تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی بود که به صورت میدانی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق را زنان کارگر شهرستان های اردبیل و نمین تشکیل دادند که تعداد کل آنها ۵۰۰ نفر بود و نمونه آماری تحقیق از طریق جدول مورگان تعداد ۱۶۹ نفر به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات با

استفاده از آزمون تحلیل واریانس اندازه گیری مکرر تک متغیره و نیز آزمون تعقیبی لsd در سطح $p < 0/05$ و با استفاده از نرم افزار آماری spss انجام گرفت.

نتایج:

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار زیر مولفه های عوامل بازدارنده ساختاری مشارکت بانوان کارگر در فعالیتهای

عوامل ساختاری	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	توجه
پول و امکانات	۲/۴۲	۱/۲۰	۱	۵	با
زمان و فرصت ها	۲/۷۴	۰/۹۲	۱	۵	به
مسئولیتها	۳/۰۸	۱/۱۸	۱	۵	
اشتغال	۲/۶۹	۱/۵۲	۱	۵	
سلامت	۲/۴۴	۰/۹۷	۱	۵	

جدول (۱) ، میانگین و انحراف معیار پول و امکانات به عنوان عامل بازدارنده ساختاری که به ترتیب ۲/۴۲ و ۱/۲۰ می باشد و میانگین و انحراف معیار زمان و فرصت زنان کارگر به عنوان عامل بازدارنده زنان کارگر در فعالیتهای ورزشی به ترتیب ۲/۷۴ و ۰/۹۲ می باشد و میانگین و انحراف معیار مسئولیت های مسئولین در قبال ورزش زنان کارگر به ترتیب ۳/۰۸ و ۱/۱۸ و همچنین میانگین و انحراف معیار اشتغال و سلامت زنان کارگر به عنوان عامل بازدارنده ساختاری به ترتیب ۲/۶۹ و ۱/۵۲ ؛ ۲/۴۴ و ۰/۹۷ می باشد

جدول ۲ - میانگین و انحراف معیار زیر مولفه های عوامل بازدارنده فردی مشارکت بانوان کارگر در فعالیتهای ورزشی

عوامل فردی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
حالات روانی فرد	۲/۱۵	۰/۹۷	۱	۵
نگرشها و تصورات فرد	۲/۲۲	۰/۹۸	۱	۶/۲۰

همچنین نتایج جدول (۲) نشان می دهد که میانگین و انحراف معیار حالات روانی فرد به عنوان عامل بازدارنده فردی که به ترتیب ۲/۱۵ و ۰/۹۷ می باشد و میانگین و انحراف معیار نگرشها و تصورات فرد به عنوان عامل بازدارنده زنان کارگر در فعالیتهای ورزشی به ترتیب ۲/۲۲ و ۰/۹۸ می باشد.

جدول (۳) : میانگین و انحراف معیار زیر مولفه های عوامل بازدارنده بین فردی مشارکت بانوان کارگر در فعالیتهای

عوامل بین فردی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
عدم همراهی دوستان و آشنایان	۲/۲۸	۱/۲۲	۱	۵
عدم روابط اجتماعی افراد	۲/۲۱	۱/۱۷	۱	۵

و نتایج جدول (۳) نشان داد که میانگین و انحراف معیار عدم همراهی به عنوان عامل بازدارنده بین فردی که به ترتیب ۲/۲۸ و ۱/۲۲ می باشد و میانگین و انحراف معیار عدم روابط اجتماعی زنان کارگر به عنوان عامل بازدارنده زنان کارگر در فعالیتهای ورزشی به ترتیب ۲/۲۱ و ۱/۱۷ می باشد.

نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که از عوامل بازدارنده بانوان از شرکت در فعالیت های ورزشی بر اساس اولویت: عوامل ساختاری (هزینه، وقت، امکانات و تجهیزات، فقدان مهارت و توانایی) اولویت اول، عوامل فردی (نگرشها، تصورات و حالات روانی فرد) اولویت دوم، عوامل بین فردی (عدم وجود همراه و روابط اجتماعی) در اولویت سوم قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج تحقیق، از سری عوامل بازدارنده بانوان از شرکت در فعالیت های ورزشی، عوامل ساختاری که شامل هزینه، وقت، امکانات و تجهیزات، فقدان مهارت و توانایی بود به عنوان اولویت اول در پژوهش حاضر بدست آمد که این نتیجه با نتایج تحقیقات عرب مقدم و هندرسون (۱) و کشکر (۲) که عوامل ساختاری را دلیل اصلی عدم فعالیت بانوان می دانستند همسو بود. از سوی دیگر عوامل بین فردی چون عدم فعالیت ورزشی زنان بدون حضور همراه (۵)؛ عوامل کارگر و اجتماعی (۶) و عوامل فردی چون عدم آگاهی کافی در رابطه با زندگی (۷) از نتایج تحقیق اولویت عوامل بازدارنده شرکت زنان در فعالیتهای ورزشی است که مغایر نتایج تحقیق حاضر می باشد. یافته ها نشان دادند که به ترتیب عوامل ساختاری، فردی و بین فردی از جمله عوامل بازدارنده ی زنان کارگر در عدم شرکت آنها در فعالیتهای ورزشی می باشد. پژوهشی که بر اوقات فراغت زنان ایران صورت گرفت نشان داد که مهمترین عامل بازدارنده زنان ایرانی از شرکت در فعالیتهای ورزشی، مربوط به فقدان ساختاری برای ایجاد فرصت ها و شانس استفاده از اوقات فراغت در جامعه است. عوامل بازدارنده خاص فرهنگی که بر نگرش های سنتی استوار است و مفهوم اجتماعی اوقات فراغت، نقش بسیار مهمی در بازدارندگی زنان از شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت دارند اما سایر عوامل بازدارنده اقتصادی، اجتماعی و انتظارات خانوادگی به عنوان مهمترین عوامل بازدارنده زنان از شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت زنان ایرانی، درجه بندی شده اند. نتایج این تحقیق نشان داد که افرادی که با موانع درونی مواجهند در مقایسه با افرادی که با موانع خارجی مواجهند، کمتر در فعالیتهای ورزشی شرکت می کنند. که نتیجتاً نتایج یافته این تحقیق با نتایج تحقیقات عرب مقدم و هندرسون ۲۰۰۷، کشکر ۱۳۸۶ و بهرام فر و تند نویس ۱۳۸۰ همخوانی و با نتایج تحقیق زیلند و همکاران ۱۹۹۸ ناهمخوانی دارد. یافته های تحقیق حاضر، گویای توجه به ضروریاتی در جامعه است که می تواند رافع بسیاری از عوامل بازدارنده زنان کشورمان علی الخصوص زنان کارگر از شرکت در فعالیتهای ورزشی باشد

منابع

- 1) Arab Moghadam, N., Hendersson K.A. , Sheikholeslami, R. (2007). "Womens Leisure and Constraints to Participation: Iranian Perspectives " , Journal of Leisure Research , vol. 39, No . 1. Larsen BT. Muscles: Testing and function with posture and pain. Medicine & Science in Sports & Exercise. 2005 Aug 1; 37(8):1447.
- ۲) کشکر ، سارا (۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در فعالیتهای ورزش تفریحی در شهر تهران ، رساله دکتری ، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- 3) King, K. (2000). "From the precipice: Recreation experiences of high risk girls". Journal of Park and Recreation Administration, 18..
- 4) Walseth , K. (2006). "Young Muslim Women and Sport: the impact of identity work" , Leisure Studies , Routledge, part of Taylor & Francis Group, Volume 25, number 1 .
- 5) Henderson k.A. , Ainsworth , B. E. (2000). " Enablers and constraints to walking for African and American Indian women". Research Quarterly for Exercise and Sport, 71(4) .